****

**موضوع**: قتل به سحر /موجبات قصاص /کتاب القصاص

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث به مسأله ششم یعنی قتل به واسطه سحر رسید، که باید دید آیا اصل وقوع چنین جنایتی ممکن است و در صورت امکان نحوه وقوع آن چگونه و در نهایت حکم آن چیست؟

مسأله ای را که بحث به آن منتهی شد، قتل به سحر است و این که چنین قتلی منتهی به قصاص می شود یا نه؟

اختلافی بین مرحوم شیخ و دیگران به عنوان مبنای مسأله وجود دارد، به این بیان که آیا سحر تأثیر گذار است یا این که هیچ اثری ندارد؟ و نحوه تأثیر آن در فرض تأثیر، چگونه است؟

## احتمالات و اقوال در تأثیر سحر

به حسب فهم صاحب جواهر از کلام مرحوم شیخ، سحر هیچ تأثیر حقیقی و یا تخیلی ندارد.[[1]](#footnote-1) البته به نظر می رسد که نفی تأثیر در کلام مرحوم شیخ مطلق نیست، بلکه نفی تأثیر در مقابل تأثیر حقیقی است.

در قبال این احتمال دو احتمال وجود دارد؛ احتمال اول این است که سحر تأثیری واقعی ایجاد می کند و از اسباب تکوینیه است، و کما این که چاقو کشنده است سحر هم کشنده است.

احتمال دوم، سحر تأثیر تکوینی ندارد ولی در شخص وهم و خیال ایجاد می کند که این ایجاد امری واقعی است و منشأ قتل می شود.

بنابراین سه احتمال در مقام وجود دارد.

احتمال اول: نفی تأثیر مطلق

احتمال دوم: تأثیر حقیقی و تکوینی

احتمال سوم: تأثیر حقیقی به واسطه ایجاد وهم و خیال.

### عدم تنافی بین تأثیر حقیقی سحر و معاجز انبیاء

مرحوم شیخ قبول مبنا و احتمال حقیقت برای تاثیر سحر را، منافی با پذیرش اعجاز و حقانیت معجزه می داند، اما مرحوم صاحب جواهر بعد از نقل این کلام، آن را نمی پذیرد و چنین منافاتی را قائل نیست.

بر اساس احتمال اول، نمی توان هیچ قتلی را به سحر مستند دانست، اما بر اساس تأثیر حقیقی برای سحر، وقوع قتل به واسطه آن ممکن و محتمل است و همان طوری که چاقو به واسطه دست حرکت می کند، به واسطه سحر هم ممکن است کسی را به قتل برساند، و از طرفی هم خصوصیت و موضوعیتی در قتل به ید یا اسایر اعضا و جوارح نیست، تا این استناد مشکلی داشته باشد. کما این که در انتهای بحث مرحوم صاحب جواهر تأثیر چشم را هم در قتل پذیرفته است.

### عدم اعتبار موضوعیت برای متعارف بودن اسباب قتل

مرحوم صاحب جواهر در ذیل بحث قتل به دعا و چشم زخم، احتمالی را مطرح نموده و البته ردع نموده است؛ به این بیان که مراد از قتل مستند، قتل به اسباب متعارف است، لذا قتل به سحر و دعا و چشم زخم، قتل مستند محسوب نمی شود و در بر فرض تمامیت این احتمال، رکن سیزدهمی هم برای قصاص باید در نظر گرفت، اما به نظر مرحوم صاحب جواهر این ملاک، ناتمام است و تأثیری در بحث ندارد.

مرحوم صاحب جواهر می گوید، در استناد فرقی بین تعارف و عدم تعارف و مباشرت و غیر آن نیست، اما ادله قصاص در مورد اسباب متعارف وارد شده است.

در صورتی که تأثیر حقیقی باشد، استناد قتل به ساحر ممکن است و مشکلی ندارد، اما در فرضی که سحر ایجاد خیالی می کند که منجر به تولید حقیقتی می کند، در این فرض معروف و مشهور این است که منشأ قصاص و دیه و سایر آثار شرعیه هست.

کما این که در مورد سحره فرعون در مواجهه با حضرت موسی علیه السلام می فرماید: «يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى»،[[2]](#footnote-2) که تخیل مار و افعی ایجاد می کردند برای ناظرین، البته باید توجه کرد که این آیه شریفه به تنهایی منکر تأثیر یا تأثیرات دیگری برای سحر نیست.

مرحوم آقای خویی ره هم وفاقا با مشهور می فرماید: «ليس للسحر حقيقة موضوعية، بل هو إراءة غير الواقع بصورة الواقع، و لكنه مع ذلك لو سحر شخصا بما يترتب عليه الموت غالبا أو كان بقصد القتل، كما لو سحرة فتراءى له أن الأسد يحمل عليه فمات خوفا، كان على الساحر القصاص.»،*[[3]](#footnote-3)* بر این اساس همان ملاک هایی را که در ابتدا بحث شد از جمله غلبه آلت وفعل و یا قصد در این جا نیز معتبر است.

راه اثبات چنین قتلی و استناد آن به ساحر، منحصر در اعتراف نیست، کما این که مرحوم صاحب جواهر اثبات این گونه قتلی را به اعتراف منحصر نمی داند و بینه خبیر را هم از جمله مثبتات می داند. مرحوم صاحب جواهر در ضمن نقل و رد ادعای مرحوم شهید مبنی بر انحصار سبب اثبات چنین قتلی بر اقرار، انحصار را نفی نموده است.

بر اساس مسلک مرحوم شیخ که منکر تأثیر سحر شده است، اگر کسی اقرار به قتل دیگری به واسطه سحر نمود، این اقرار خلاف واقع است، اما مرحوم صاحب مسالک بر اساس این مسلک نیز این اقرار را می پذیرد؛ چرا که ابتداء اقرار به قتل نموده است که پذیرفتنی است اما در ادامه به واسطه قول «بسحری» منافی اقرار اول را آورده است، بنابراین، مورد ما نحن فیه از موراد «تعقب اقرار بما ینافیه» می باشد که در آن تمسک به اقرار پذیرفته می شود.

اما مرحوم صاحب جواهر می گوید آن چه در این جا مرحوم محقق به آن ناظر بوده است، بحثی ثبوتی است نه بحث اثباتی «تعقیب اقرار بما ینافیه»، در واقع اصلا در این جا مرحوم صاحب شرایع ناظر به چگونگی اقرار نیست و حتی ممکن است «قتله سحری» آورده باشد، در حالی که مرحوم شهید در این جا بحثی اثباتی دارد و در مقام اثبات اشکال می کند، لذا به نظر مرحوم صاحب جواهر، شهید ثانی ره مراد مرحوم محقق را به خوبی درک نکرده است.

«و على ما قلناه من الاحتمال يلزمه الإقرار لعموم دليله، بل في المسالك «لا طريق إلى معرفته بالبينة، لأن الشاهد لا يعرف قصده و لا شاهد تأثير السحر، و إنما يثبت بإقرار الساحر، فإذا قال: قتله سحري فمن قال لا تأثير له لم يوجب بالإقرار عليه شيئا، و الأقوى الثبوت على القولين، عملا بإقراره و إلغاء للمنافي على القول به، ثم من قال مع ذلك: إن سحرة مما يقتل غالبا فقد أقر بالعمد، و إن قال: نادرا استفسر، فان أضاف إليه قصده قتله فهو عمد أيضا، و إلا فهو شبيه العمد، و إن قال: أخطأت من اسم غيره إلى اسمه فهو إقرار بالخطإ، فيلزمه حكم ما أقر به، و لكن في صورة الخطأ لا يلزم إقراره العاقلة، بل تجب الدية في ماله، نعم لو صدقوه أخذناهم بإقرارهم».

قلت: قد يناقش (أولا) بإمكان إثباته بالبينة برؤية عمل السحر الذي يشاهد أثره و يعرفه من له معرفة بالسحر من الثقات أيضا، و حينئذ فلا يحتاج إلى تعرف قصده و استفساره و لا إلى غير ذلك مما ذكر (و ثانيا) بأن ما ذكره من الأقوى خروج عن المسألة، ضرورة عدم كون البحث في العبارة المزبورة المشتملة على تعقب الإقرار بما ينافيه، إذ يمكن تفسيرها على وجه لا يصدر منه إلا نسبة القتل إلى سحرة.».[[4]](#footnote-4)

1. . جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، ج‌42، ص: 32‌ [↑](#footnote-ref-1)
2. سوره طه، آيه 66. [↑](#footnote-ref-2)
3. . **تكملة المنهاج، ص: 60** [↑](#footnote-ref-3)
4. [جواهر الکلام، محمد حسن نجفی، ج42، ص33.](http://lib.eshia.ir/10088/42/33/) [↑](#footnote-ref-4)